

الهه هادیان رستایی


بسم الله الرحمن الرحیم

نقش امام خمینی در احیای تفکر دینی متاثر از عاشورا

نویسنده:

الهه هادیان رستانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نقش امام خمینی (ره) در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
نقش امام خمینی در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا ----- ۶
پاورقی ----- ۲۵
درباره مرکز ----- ۲۷

نقش امام خمینی (ره) در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: هادیان رستانی، الهه۱۳۵۲-

عنوان و شرح مسئولیت: نقش امام خمینی (س) در احیای تفکر دینی متاثر از عاشورا [منبع الکترونیکی] / الهه هادیان رستانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۴۸.۲KB)

موضوع: قیام عاشورا

تاریخ تشیع

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره)

حسین بن علی(ع)، امام سوم

نقش امام خمینی در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا

«رهبر عالیقدرمان امام خمینی عاشورای ما را زنده کرد و حسین بن علی (ع) را از آن زوایای تاریک که گرد و غبار رفتار ناهنجارمان در طول قرون، چهره تابناکش را پشت ابرهای تیره مخفی کرده بود، وارد صحنه کرد.» [۱] .«در روزگاری که می رفت تا در زیر چکمه استعمار، مکتب رهایی بخش اسلام محو و نابود گردد و در زمانی که خفقان و شکنجه به حد نهایت خود رسیده بود و بهترین فرزندان این امت را به کام مرگ فرومی برد، آری، امام بود که چون حسین (ع)، پرده های اوهام را برید و ظلمات جهالت و بیداگری را زدود و چهره ی زیبای حق را آشکار کرد. او با نیروی یزدانی و با دست خدایی خویش، قدرت بیداد و ستم را شکست. او حسینی بود که در صحنه کربلا، آرایش عشق کرد و عاشورا را به ملایک عرضه داشت. مردی که چون کوه، دامن بر کمر زد و چون مراد و آموزگارش حسین (ع) گردن تسلیم در برابر بیدادگران فرود نیاورد و به حسینیان زیادی درس فداکاری داد. دانش آموزی که در جبهه های نبرد حق با باطل و به هنگام شهادت، نام حسین را برزبان می آورد، آخرین کلامش حسین بود نه پدر یا مادر؛ چه آنکه شاگرد مکتب حسین (ع) بود. آخرین پیامش امام و لزوم حمایت

از او بود.براستی امـام چه کرده بود؟ امـام خمینی (ره) اول کسـی بود که نخست تعالیم اسـلام را در وجود خویش پیاده کرد و سپس آن را به دیگران آموخت. اگر می گفت «انا لله و انا الیه راجعون» خود اعتقاد داشت که از خـداست. او خـدا را با چشـم دل دیده بود، همچنانکه حسـین (ع) خدا را دیده بود. او خدا را با قلب شـهود کرده بود. او کسـی بود که به پیروی از مولایش علی (ع) و فرزندش حسـین (ع) روزها همچون شیر، علیه هر چه ظلم و بیداد است می غرید و شبها در محراب عبادت از شدت زاری بیهوش می شـد. امام، نهضت را چون امام حسـین (ع) میـدان به میـدان جلو می برد. جوان ما، چشـمانش را از دست می داد، اما می گفت: «شـکر خـدایی را که این منت بر من نهاد تا چشـمانم را در راه خمینی از دست بدهم.» و یا با از دست دادن پاهایش می گفت: «کاش پای دیگری داشـتم و آن را در راه او از دست می دادم» چه آنکه او، حسـین (ع) را در چهره ی امام دیـده بود.به کلاـمی از شـهید والا مقام اسـتاد مرتضـی مطهری درباره امام خمینی (ره) اشاره می کنیم: ناگهان صاعقه ای رعد آسا بر آسـمان کفر و جهالت زده شد و ریشه های ظلم و فساد را سوزاند و شب تاریک مستضعفین سراسر جهان را، چون روز روشن کرد، و از این میـان فرزنـدی شایسـته از تبار حسـینیان، یعنی بت شـکن، ظهور کرد و با قیام خود چنان لرزه ای بر انـدام فرعونیان تاریخ انداخت که هیچ طاغوتی را یارای مقابله با او نماند. آنگاه ندا سر داد که:

«ای جوانان عزیزی که چشم امیدم به شماست، با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح برگیرید و آنچنان از حیثیت و شرف خود دفاع کنید که قدرت هر گونه تفکر را از آنان سلب کنید...» [۲] .امام خمینی (ره) در مکتب حسین بن علی (ع) درس خوانده بود، چنانکه مکتب فضیلت اخلاقی او را گشود و با ذکر نام و مجد و عظمت او، قیامی مردمی و افتخاری عظیم در طول تاریخ بنیان نهاد. او نهضتی را در سرزمین فقر به وجود آورد و با این معجزه عظیم خویش، بشر را احیا کرد.امام خمینی (ره) عیسایی بود که مردگان را زنده کرد. او موسایی بود که معجزه کرد و به قول رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای: «او آن روح الله بود که با عصا و ید بیضاوی موسوی و بیان و فرمان مصطفوی، به نجات مظلومان کمر بست. نخست فرعونهای زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. او به انسانها کرامت و به مؤمنان عزت و به مسلمانان، قوت و شوکت، و به دنیای مادی و بی روح، معنویت و به جهان اسلام، حرکت و به مبارزان و مجاهدان فی سبیل الله، شهامت و شهادت داد. او بتها را شکست و باورهای شرک آلود را زدود.»او[امام خمینی]به صراحت اعلام کرد، تنها اسلام نجات بخش شماست. او جهاد اسلامی را مطرح کرد، امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرد. وظیفه نوعی و دینی و بالاخره اجر و پاداش شهیدان را مطرح کرد، و مردمی که سالها این آرزو را که در زمره یاران

حسین (ع) باشند در سر می پروراندند و هر صبح و شام تکرار می کردند «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما» به ناگاه خود را در سرزمینی مشاهده کردند آنچنانکه گویی حسین (ع) را بعینه می دیدند.»انبیا محییانی اند که در طول تاریخ، به بشر جان می دهند و دیگر محییان به دنبال آنها می آیند. در طول تاریخ، کوششها و تلاشهای زیادی راجع به دین شده است و حرفها و بحثهای زیادی در این مورد به میان آمده است، اما هر تلاش و بحثی در دین را نباید به حساب احیاگری گذاشت.در نظری به احیاگری دینی ایران توسط حضرت امام (ره)، و تفاوت آن با انواع کوششهای احیاگران دیگر و از قوه به فعل، و از نظر به عمل در آوردن اندیشه های مثبت بود. او نقشه های نظری را که سالیان دراز در اذهان بسیاری خطور کرده بود، به تصویر کشید و به آن روح و جان بخشید و در یک کلام، امام خمینی (ره) به اسلام جامه عمل پوشاند. امام خمینی (ره) احیاگر عاشورا بود و به گفته رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای: «این انقلاب بی نام امام، در هیچ جای دنیا شناخته شده نیست.» انقلاب، بی اسم امام، به جسمی می ماند که تحرک ندارد. امام، سکاندار انقلاب و به عبارتی قطب نمای این کشتی بود. حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر این نکته که عظمت نظام جمهوری اسلامی ایران در دنیا، همواره از نام و یاد امام نشأت می گیرد، می فرمایند: «عظمت و ابهت جمهوری اسلامی ایران در دنیا، همواره با نام امام مطرح بوده است و دوستان و دشمنان ما در رفتار و عمل خود، این مسئله

را مکرر نشان داده اند.»امام خمینی (ره) با استوار ساختن احکام دین، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد وحدت و اتحاد میان جوامع اسلامی، تجدید عهد نسبت به مقام شامخ ولایت و امامت و قیام برای دفاع از حق و حقیقت، سنت جدش حسین بن علی (ع) و فرهنگ عاشورا و دین را احیا کرد.احیای دین، با درک و تفکر و شهادت و خون صورت می گیرد و علم پس از خون می آید. لذا تا انسان، انس با مرگ پیدا نکند، علمش کارساز نخواهد بود.در زمان امام حسین (ع)، دین به این دلیل در معرض خطر بود که کسی چون یزید بر سر کار بود و امام حسین (ع) که این وضعیت را می دید و شاهد بدعت گذاری بنی امیه بود و احساس می کرد که بر مسند خلافت نشسته است، مبانی اسلام را زیر سؤال می برد، قیام کرد.در هر جامعه ای نیاز است که عده ای از انسانها دارای شعور سیاسی و دینی بیش از دیگران باشند و باصطلاح معروف، عده ای موی بینند و عده ای پیچش موی. چه آنکه در پیچش موی بسیاری از واقعیتها روشن می شود. لذا امام حسین (ع) با دیدن آن واقعیتها در جامعه برای احیای اصل اسلامی امر به معروف و نهی از منکر بپا خاست و همین هدف بود که به نهضت حسین (ع) ارزش داد و امام حسین (ع) نیز به آن ارزش بخشید.اکنون در سیر عاشورا باید دید که آیا امام حسین (ع) توانست در مسیر خود دین جدش را احیا کند؟آیا واقعا هر کس که کشته می شود، شکست خورده است؟ آیا نهایت و غایت، احیای یک مسئله است، یا اینکه

همیشه زنـده مانـدن و پیروزی را دیـدن؟ آیـا واقعـا امام حسـین (ع) در آن مقطع، به قول دشـمنان شـکست خورد؟ و یا دین با شهـادت امـام حسـین (ع) احیـا شـد؟ و اگر امـام حسـین (ع) قیـام نمی کرد آیـا دین احیا نمی شـد؟امام خمینی (ره) بنیانگـذار جمهوری اسـلامی ایران می فرمایند: «این حسـین بن علی (ع) است که جهت حفظ آیین آسـمانی اسلام، واژگون ساختن کاخ اسـتبداد و دیکتاتوری و قانون شـکنی، در هم کوبیدن کاخ خیالی و پوشالی نژاد پرستی که اسـلام خط بطلان روی آن کشیده بود و مجـددا به دست بعضـی از حکام سیاسـی اسـلام زنـده گردیـده بود، و بالاخره احیای اصول حق و عدالت که با گسترش سلطه بنی امیه، خوف آن می رفت به کلی برچیده شود، قیام کرد و جهت برقرار ساختن نظام عادلانه ی اسلامی، توسعه و بسط عـدالت اجتماعی شـهید گردیـد. در آن روزهای سـیاه مردم ظاهربین، حضـرتش را شـکست خورده و دشـمن وی را غالب می پنداشـتند، ولی حـوادث بعـدی ثـابت کرد و نشـان داد که سـرور شـهیدان سـوخت و سـاخت و چراغی تابنـده و پرضـیا فرا راه مسـلمانان، با خون طاهر و مقـدس خویش برافروخت. راه و رسم فـداکاری، آزادی، شـهامت، جانبازی و تسـلیم نشدن در برابر ستمگران را بـه نسـلهای مسـلمان آمـوخت، پرده از چهره منحـوس و قیـافه وحشـتناک و هـول انگیز دشـمن خـدا و خلـق خـدا برگرفت، هرچه بیشتر او را رسوا سـاخت تـا مسـلمانان مـاهیت دودمـان ننگین بنی امیه را به خوبی شـناختند و با الهام گرفتن از مکتب، نهضت و یاران باوفایش، دست به قیامها و حرکتهای پی در پی زده و پس از مدتی کوتاه، آخرین بقایای شجره

خبیثه را از بیخ و بن برافکندند. شهدای عظیم کربلاء سرود پیروزی خونرنگ خود را در خیمه تاریخ نواختند و بزرگترین سرمشق را به جهان اسلام بلکه همه آزادیخواهان و مسلمین عالم دادند. ارواح بزرگ و با عظمت آنها بر بال و پر فرشتگان در ابدیت و در فروغ جاویدان به حرکت درآمده و با خون مقدس خود سطوری درخشان بر پیشانی تاریخ اسلام نوشتند که برای انقلابها، حماسه ای جاوید و پرشور باشد.» [۳] .امام حسین (ع) وقتی در آن برهه ی حساس می دید که اگر قیام نکند، یزید همچنان بر سر کار خواهد ماند و سرانجام او را خواهد کشت؛ کما اینکه به حاکم مدینه دستور داده بود که اگر حسین (ع) بیعت نکرد، او را به شهادت برساند، و یا چنانکه در مکه می خواستند او را به شهادت برسانند. لذا آن حضرت حج اصلی را رها کرد، تا به مسلمین بگوید آنجایی که طاغوت بر سر کار است، حج نیز نمی تواند مورد قبول باشد. آنجایی که کعبه به عنوان بتی جدید مورد پرستش قرار می گیرد و خدای کعبه در حال فراموش شدن است، چگونه ممکن است حج قبول شود. بر این اساس باید این فریضه اصلی را قربانی کرد. امام حسین (ع) از عرفه حرکت کرد و با این حرکت، حقیقتی را به دنیا تعلیم داد. او با این قیام، بذر همت در جهان افشاند و به اهل جهان نشان داد که مرگ با عزت از زندگی در ذلت بهتر است. به قول استاد شهید مرتضی مطهری:«حسین بن علی (ع) با آن جانبازی که کرد، اسلام را تجدید حیات و درخت اسلام را با

ریختن خون خود آبیاری نمود. اشهد انک قد أقمت الصلوه و آتیت الزکوه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت فی الله حق جهاده: شهادت می دهم که تو اقامه نماز کردی و ذکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا جهاد نمودی و حق جهاد را به جا آوردی. اما چه رابطه ای میان شهادت حسین بن علی (ع) و نیرو گرفتن اسلام و زنده شدن اصول و فروع دین وجود دارد؟ اگر شهادت حسین بن علی (ع) صرفا یک جریان حزن آور می بود، اگر صرفا یک مصیبت می بود، اگر صرفا این می بود که خونی به ناحق ریخته شده است و به تعبیر دیگر صرفا نفله شدن یک شخصیت می بود و او شخصیت بسیار بزرگی، هرگز چنین آثاری را به دنبال خود نمی آورد. شهادت حسین بن علی (ع) حیات تازه ای در عالم اسلام دمید. بعد از شهادت امام حسین (ع) رونقی در اسلام پیدا شد. ایناثر در اجتماع از آن جهت بود که امام حسین (ع) با حرکت قهرمانانه خود روح مردم مسلمان را زنده کرد». [۴] .امام حسین (ع) در تمام مسیر راه خود، هرگز نوید دروغ به کسی نداد، بلکه هدف خویش را اجرای امر به معروف و نهی از منکر بیان فرمود.امام خمینی (ره) نیز چون مولایش حسین بن علی (ع) در مسیر راه خود هرگز به کسی نوید دروغ نداد. به هیچ گروه سیاسی نگفت که اگر من رهبر شوم، شما نیز بر سر کار می آیید. او برای مصلحت جامعه قیام کرد و همیشه نفع عمومی را بر منافع شخصی ترجیح داد.امام حسین

(ع) در شب عـاشورا اصـحاب و اهـل بیتش را جمـع کرد و فرمـود: «بدانیـد که از همه شـما متشـکر و ممنـونم، ولی بدانیـد که دشـمنان با شـما کاری ندارنـد، و اگر بخواهیـد بروید، مانع شـما نمی شوند. من هم از نظر شـخص خودم که با من بیعت کرده اید، بیعت خودم را از دوش شـما برداشتم، هرکس می خواهد برود آزاد است.» امام خمینی (ره) نیز در لحظاتی که به پشتیبانی گروهی نیاز داشت، اعلام کرد که من احتیاج به گروه خاصـی نـدارم، این توده هایند که قیام می کنند.امام اگر اهل مصالحه و سازش بود، بنی صدر را به عنوان فرمانده کل قوا در شـرایطی که آبادان، خرمشـهر، قصـر شـیرین و سـر پل ذهاب در محاصره دشـمن بود، بر کنار نمی کرد.در آن شـرایط اگر امام، یک «آری» به آمریکا می گفت، صـدام برای همه عمرش عقب نشسـته بود، امـا امـام چون مولا۔یش حسـین (ع)، خود را در برابر دشـمن ذلیل ننمود و برنامه های زور بیگانه را اجرا نکرد. او با شـعار «هیهات منا الـذله» چون حسـین بن علی (ع) سـر تعظیم جز به خالق یکتا فرود نیاورد و تن به زیر بار ذلت دشـمن نداد و طومار بردگی ملت را امضا نکرد و بر حکومت ننگین و پوشالی زمان مهر تأیید نزد. چنانکه مولایش حسـین بن علی (ع)، شـهادت را بر ننگ و ذلت بیعت با یزید ترجیح داد، و با صراحت فرمود: «لا و الله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقر اقرار العبید.»: «نه به خـدا قسم، من دست ذلت به این ناپاکان نخواهم داد وماننـد بنـدگان در برابر آنها تسلیم نخواهم شد.»امام خمینی (س) یاران حقیقی

خود را حسین گونه برگزید. همانگونه که مورخان نوشته اند، امام حسین (ع) در شب عاشورا به ابوالفضل العباس (ع) فرمود: نزد دشمن برو و به آنها بگو که امشب را به ما مهلت دهند، چه آنکه امام می خواست در آن شب، یاران حقیقی خویش را برگزیند، چه آنکه: «در مسلخ عشق، جز به عشق نتوان رفت.»امام حسین (ع) یک هدف بیشتر نداشت. او خدا را داشت و می دانست که خدا، خون او را بیهوده نخواهد گذاشت. حکومت خونخوار ابوسفیان گمان می کرد که با کشتن امام حسین (ع) و یارانش و اسب تازاندن بر پیکرهای پاک و مطهر آن آزاد مردان، هیچ نشانی از آنها برای نسل آینده باقی نمی ماند و خاطره خاندان وحی برای همیشه محو و فراموش می شود. غافل از آنکه امام حسین (ع) و قیام خونین آن تا ابد، به صورت مکتبی الهامبخش، زنده خواهد ماند و این چراغ فروزان الهی، هیچگاه به خاموشی نخواهد گرایید. «یریدون أن یطفؤا نور الله بأفواههم و یأبی الله الا أن یتم نوره و لو کره الکافرون.»: «کافران می خواهند که نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خدا را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند، هر چند کافران، ناراضی و مخالف او باشند.»انسانیت تاریخ، هیچگاه این حادثه عظیم را فراموش نکرد، بلکه جلوه های عظمت حسین (ع) تا ابد، حرکت زاست و اصیل ترین قیامهای راستین جهان با الهام از نهضت حسینی برپا می شود، و هر چه می گذرد بر عظمت و شوکت قیام عاشورا به رهبری حسین بن علی (ع) افزوده می شود.در مجلس ابن زیاد، هنگامی که عبیدالله

خطاب به زینب کبری (س) گفت: «کیف رأیت صنع الله بأخیک؟» یعنی: کار خدا با برادرت را چگونه دیدی؟ حضرت زینب (س) می دید که ابن زیاد با این سخن گویی می خواهد شهادت امام حسین (ع) و یارانش و پیروزی سطحی و موقتی خود را به حساب اراده و خواست خدا بگذارد، بپا خاست و با آگاهی کامل پاسخ داد: «ما رأیت الا جمیلا» [۵] یعنی من از خداوند درباره برادرم جز نیکویی و جمال ندیدم.» کلام زینب کبری (س) به این معنا بود که امام حسین (ع) و یارانش، با آفرینش زیباترین لحظه ها، پیروز هماره تاریخ خواهند بود و آنان به هدف مقدس خویش رسیده اند. امام خمینی (ره) نیز عقیده داشت، در فرهنگ عشق اگر کشته شوی، پیروزی، و اگر پیروز شوی باز هم پیروزی. و این فرهنگ هم انقلاب ما را پیش برد و هم امام حسین (ع) را اسطوره ای کرد.آنچه که نام حسین (ع) را جاودانه ساخت و او را در صدر مقام انسانیت قرار داد، همان اساسی بود که هدف خویش را بر پایه ی آن استوار ساخته و برنامه ریزی کرده بود. او صفحات نورانی تاریخ زندگی قیام خود را سرمایه ای برای ملتهای مسلمان قرار داد، تا از آن درس عظمت و بزرگی و فداکاری و عدم تمکین در مقابل ظلم و ستم بیاموزند و چون حسین بن علی (ع) در مقابل دستگاه جابر و ستمگر زمان بپاخیزند.امام حسین (ع) و یاران پاک او کشته شدند و زنان و فرزندانشان به اسارت رفتند، تا نام خداوند و زحمات انبیای الهی فراموش نشود و امتهای بعد از او تن به ذلت و بردگی ندهند و

عـدالت پیروز گردد. آری، این است هـدف عالی حسـین (ع) یعنی امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و سـتم، تسـلیم نشـدن در برابر بیـدادگری حکومت ظـالم زمـان و زنـده سـاختن حق و نـابود کردن باطـل و نجات انسانیت از جهل و نادانی و ظلالـت و گمراهی. خون حسـین بن علی (ع) ریخته شـد تا امت گمراه بصـیرت یابـد و درس آزادی و آزادگی را بهتر و بیشتر بیاموزد.فرهنگ حسـینی هنوز حرکت زا و شور آفرین است. هنوز در آن سوی قاره آفریقا کشـته می دهند نام حسین (ع) را بر زبان می آورند. به قول اسـتاد شـهید مطهری:«حسـین بن علی (ع) در آن زمان یک سوژه بزرگ بود، هر کس که می خواست در مقابل ظلم قیام بکند، شعارش «یا لثارات الحسین» بود. امروز هم حسین بن علی (ع) یک سوژه بزرگ است، سوژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام، برای اینکه احساسات و عواطف عالیه اسلامی در وجود ما احیاء بشود.» [۶] .آری، حسین (ع) اسطوره ای بی مانند بود، همچنان که امام خمینی (ره) نیز با شخصیت بارزش اسطوره ای کم نظیر بعد از ائمه اطهار – علیهم السـلام – به شـمار می آید. رهبر معظم انقلاب اسـلامی حضـرت آیت الله خامنه ای، از امام خمینی (ره) اینچنین یـاد می کننـد: «امـام خمینی شخصـیتی آنچنـان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریـخ – بجز انبیا و اولیای معصومین (ع) – به دشواری می توان کسـی را با این ابعاد و این خصوصـیات تصور کرد. آن بزرگوار قدرت ایمان را با عمل صالح، و اراده پولادین را با

همت بلند، و شجاعت اخلاقی را با علم و حکمت، و صراحت لهجه و بیان را با صدق و متانت، و صفای معنوی و روحانی را با هوشمندی و کیاست، تقوا و ورع را با سرعت و قاطعیت، ابهت و صلابت رهبری را با رقت و عطوفت، و خلاصه بسی خصاص نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرنها و قرنها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست نیافتنی و جایگاه والای انسانی او جایگاهی دور از تصور، و اساطیر گونه بود.» [۷] .امام خمینی (ره) به عنوان احیاگر عاشورا، با الهام از حرکت و قیام حسین بن علی (ع)، بنیان ظلم ظمانه را فروریخت و با زنده کردن جنبه های ظلم و ستیزی و عدالتخواهی، به احیاگری اسلام ناب محمدی پرداخت و با ابعاد و جنبه های حقیقی قیام امام حسین (ع) را روشن کرد. او فرهنگ عاشورا و تفکر دینی متأثر از آن را احیا نمود و ارزشهای آن را در درون مسلمین جا انداخت. او به عنوان انسانی تکامل یافته و ادامه دهنده راه حسین بن علی (ع)، وظیفه سنگین حراست امت و پاسداری و احیای شریعت اسلام را در عصر حاضر و با مقتضیات و شرایط آن به خوبی انجام داد و پیام عاشوراییان را به مسلمین جهان منتقل کرد. او چون مولایش امام حسین (ع) با قیام و نهضت عظیم خویش، سند تداوم سنت احیای دین را امضا کرد. و در تعظیم شعایر عاشورا و حفظ و تداوم و تبیین شریعت اسلام و استمرار بخشیدن

به آن تلاش فراوان نمود.مکتب امام حسین (ع) دانشگاه وسیعی است که شاگردانش با ذکر مجد و عظمت نام او شور می آفرینند و با برافراشتن پرچم بر حق عاشورا و نثار خون خود، آزادی و آزادگی خود را به اثبات می رسانند. آری، صدای مجاهدت حسین (ع) و فداکاری او در راه دین تا قیامت به گوش همگان خواهد رسید.شخصیت بارز امام حسین (ع) آنچنان است که حتی رهبران و دانشمندان مذهبی، علمی و سیاسی غیر مسلمان درباره آن بزرگوار و فداکاری بی سابقه او در راه حمایت از نهضتهای خویش قرار می دهند. چنانکه مهاتما گاندی رهبر فقید هند درباره آن حضرت گفته است: «من زندگی امام حسین آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد بایستی از سرمشق امام حسین پیروی کند.» [۸] .امام حسین (ع) با عشق شور آفرید نه با پول و نیرنگ، در حالی که یزید و معاویه اهداف خود را با پول و نیرنگ به پیش بردند. فرهنگ حسین (ع)، فرهنگ عشق بود، و این امری است که امام خمینی (س) در وجود فرزندان ما ایجاد کرد. چنانکه نوجوان پانزده ساله، نارنجک به کمر می بندد و خود را به زیر تانک می افکند و عاشقانه به شهادت می رسد.امام خمینی (س) در کسانی تحرک ایجاد کرد که حتی در آستانه شهادت می گفتند: «اماما کاش می شد که در عشق تو هزاران بار می کشتند مرا و قطعه قطعه ام می کردند و تکه های تنم را می سوزاندند و خاکسترم را به باد می دادند و باز زنده می شدم و

دوباره این کار تکرار می شـد.» [۹] .این همه برای آن بود که امـام چیزی جز سـخن حسـین (ع) بر زبـان نمی آورد. او بر قلبها حکومت می کرد، همچنان که حسـین (ع) بر دلها حکومت می کرد.شـهید ناصـر آشوری صادقانه می گویـد: «... پـدر و مادر چشمان من هستند، ولی امام قلب من. بدون چشم می شود زندگی کرد، اما بدون قلب هرگز. من براساس پیروی از اوامر الهی ولایت فقیه، و برای خودسازی لازم دیدم به دانشـگاه امام حسین (ع) بیایم، در این دانشگاه ناظرم مولا امام زمان (عج) و درس شهادتین حسـین (ع) و استادم خمینی بت شکن، مرا امتحان کردند و من در این امتحان موفق شدم و به سوی معبود می روم...» [۱۰] .جسم را می توان تحت فرمـان در آورد، اما روح بشـر را هرگز، مگر آنکه روحت را با آن روح اصـلی گره زده باشـی و امام خمینی (س)، این را با آن گره زد. امام فاصله بین عرش و فرش را در نوردید و بشر را به عرش برد. ما اگر بخواهیم عرفان شهید را بررسی کنیم، باید آن را در میان شهیدان عارف خودمان جستجو کنیم؛ کسانی که با چشم فاطمه زهرا (س) را دیدند. کسانی که دقایق آخر، عطر می زدنـد و می گفتنـد: هنگامی که خونم می ریزد و بوی خون، بـدنم را فرامی گیرد، نکند فاطمه زهرا (س) بر مزارم حاضـر شود و بوی خون، او را ناراحت کنـد. او به این یقین رسـیده بود که فاطمه زهرا (س) بر مزارش می آید. و این تحرک را امام در فرزندان ما ایجاد کرده بود.شـهید محمد اسـماعیل زاده در قسـمتی از وصـیت نامه اش می گوید: «... امروز و

هر روز این مملکت، عاشورا است، و پرچم دار این حرکت که حرکتی است به سوی خدا، خمینی است و ان شاء الله که خدا ما را از این امتحان که خود طالب آن بودیم، پیروز و مفتخر در آورد که براستی هر آن که خمینی را دوست دارد، حسین (ع) را دوست داشته و هر آنکس که خمینی را یاری کند، حسین (ع) را یاری کرده... [۱۱] .جوانانی که در راه اسلام، جان می دادند، هر یک محیی اسلام و دین بودند.کمتر آسیبی خارج از دین به آن وارد می شود. همچنان که مسیحیت از درون تضعیف شد. بدیهی است عامل بزرگی که موجب تضعیف دین می شود «منیت» است، که به صورتهای مختلف ظهور می یابد. منیتی که در عالم، تجدد دارد اما دل دینی ندارد و امام خمینی (س) این عامل بزرگ را در میان امت و ملت اسلامی ما از بین برد. امام، «من» را به «ما» تبدیل کرد، هر چند که «ما بودن» بسیار سخت تر از منیت است و باید در راه آن بسیاری از منیتها را کنار گذارد. امام خمینی (س) هنگامی که می فرمود: سیدالشهدا شور آفرید و یا اگر می فرمود: هر روز ما عاشورا و هر زمین ما کربلاست، برای او دیگر فلسطین وار یتره و لبنان و عراق فرقی نمی کرد، اسلام برایش مرز نداشت؛ قدس هم جزو وجودش بود. امام بارها اعلام کرد که ما فقط به خاطر اسلام قیام می کنیم و به قول شهید حسین شعبانی: «... اگر اوراق تاریخ را ورق بزنیم، از هابیل و قابیل گرفته تا امام حسین (ع) و تا حضرت مهدی (عج)، دو چیز مهم

نظرها را جلب می کند، دو گروه در مقابل هم، هابیل در مقابل قابیل، ابراهیم (ع) در مقابل نمرود، و موسی (ع) و عیسی (ع) در برابر فرعونیان، و حضرت رسول اکرم (ص) در برابر مشرکین، و این ستیز ادامه داشته تا امروز. در خطی که هابیلیان و رسول اکرم (ص) و امام بودند، امام خمینی نیز هست و در مقابلش آمریکا، شوروی، اسرائیل و صدام و... هستند. شما راه خود را انتخاب کنید، یا کافر بوده و در خط شیطان و قابیل و نمرود و آمریکا و صدام باشید و یا در خط سرخ محمدی و در خط امام خمینی باشید. سنگ وسط راه نباشید. با این طرف و آن طرف...» [۱۲] .فاصله زمانی امام حسین (ع) و امام خمینی (ره) چهارده قرن بود و این فاصله را امام خمینی در نوردید، که به قول مولانا «بعد منزل نبود در سفر روحانی». امام فاصله بین عرش و فرش را پیمود و چون حسین (ع) آداب و رسوم دینی را زنده نگاه داشت و چون او، اسلام را زنده کرد. انقلاب امام حسین (ع) و انقلاب امام خمینی (س) هر دو برای احیای دین بود. در آن زمان حسین بن علی (ع) رهبری امت را بر دوش داشت و در این زمان، امام خمینی نایب بر حق امام زمان (عج)، و ایران همان کربلا و انقلاب اسلامی همان انقلاب حسینی است که: و کل یوم عاشورا و کل أرض کربلا».حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند: «اولین کار بزرگ امام خمینی (س)، احیای اسلام بود.دومین کار بزرگ امام خمینی (س)، اعاده روح عزت به

مسلمین است. سومین کار بزرگ امام خمینی، احساس درک امت اسلامی را به مسلمانان داد. چهارمین کار بزرگی که امام خمینی، انجام داد، یکی از مرتجع ترین و پلیدترین رژیمهای جهان را از بین برد. پنجم، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود، چیزی که به ذهن مسلمانان خطور نمی کرد. ششم ایجاد نضت اسلامی در عالم بود قبل از انقلاب اسلامی. هفتم، نگردش جدید در فقه شیعه بوده است. هشتم، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام در دنیا پذیرفته که آن کسانی که در طبقه حکومت و رأس اجتماعات قرار می گیرند، اینها اخلاق فردی خاصی را داشته باشند. نهم، احیای روحیه غرور و خودباوری در ملت ایران است. دهم، اثبات اینکه نه شرقی و نه غربی یک اصل عملی و ممکن است، حال آنکه به تصور دیگران می بایست در اداره کشور یا به شرق متکی بود یا به غرب، هرگز فکر نمی کردند که یک ملت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و در مقابلشان بتواند ایستادگی نماید و هر روز بر قدرت و ثبات خویش بیفزاید.» [۱۳] .امام خمینی (س) اسلام را دوباره به عرصه قدرت کشاند، و از راه گشوده شده توسط ایشان هزار باب تازه گشوده شد، در آینده نیز هزاران باب گشوده خواهد شد. چنانکه امروز مسلمانان جهان، به یمن انقلاب خونین حسین (ع) و به برکت آن انقلاب امام خمینی (س) به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. این امر در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مشهود است. ایشان در دیدار فرماندان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به معظم له، به مناسبت ولایت

با برکت امام حسین (ع) فرمودند: «... اگر یک نگاهی به امروز بیندازیم، همه چیز بشارت است. اگر امروز به صحنه بین المللی و حضور اسلام در زوایای جوامع گوناگون در اکناف جهان و به ملتهای مسلمان و به کسانی که تا قبل از انقلاب اگر مسلمان هم بودند، یا توجه به مسلمانی نداشتند، یا اگر توجه داشتند، احساس افتخار نمی کردند - و شاید احیانا احساس سرشکستگی هم می کردند - نگاه کنیم، می بینیم که امروز به مسلمانی خود افتخار می کنند آن هم نه فقط افتخار در عالم ذهنیت و به عنوان احساسات پوچ، بلکه افتخاری که آثاری هم در زندگی آنها به دنبال دارد. آنها امروز دعوی استقلال و تسلط بر امور خود و حاکمیت اسلام را دارند که نمونه های آن را در منطقه بوسنی هرزگوین، چچنستان و مناطق گوناگون آفریقا و غیره مشاهده می کنید. این صحنه ها بین المللی است و اینها بشارت است. اینها نشان دهنده یک خیز بلند از سوی اسلام است با یک مجاهدت جانانه و خونین که چنین چیزی هم به وسیله شما، یعنی این امت بزرگ اتفاق افتاد و برای هر ملتی، بالاترین موفقیتها این است که راه او غریب و ناشناخته نماند و ادامه پیدا کند. این بزرگ ترین موفقیت است...» [۱۴] .آری، چنین بود که امام خمینی (س) فرهنگ عاشورا را احیا کرد و به قول شهید دکتر محمد جواد باهنر: «رهبر عالیقدرمان امام خمینی، عاشورای ما را زنده کرد و حسین بن علی را از آن زوایای تاریک تاریخ که گرد و غبار رفتار ناهنجارمان در طول قرون، چهره تابناکش را پشت ابرهای تیره مخفی کرده بود، وارد

صحنه کرد.» [۱۵] .و در آن روزی که خورشید غروب کرد، به قول رهبر معظم انقلاب: «افسوس که برای ما خاکیان از آن آیینه بندان جشن ملکوتی، بارقه تسلایی نمی درخشید و جز اشک دیدگان، نمی بر آتش هجران آن قبله دلها افشانده نمی شد. شور عزا در غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیده بان همیشه بیدار طبیب درد و درمان شناس و سروش رحمت خدا بر امت و یادگار انبیا و اولیا در زمین، اهل زمین را می گداخت و غمی بی تسلی بر آن فرومی ریخت. زمان، یگانه خود را از دست داد و زمین گوهری یکدانه را در خود گرفت. پرچمدار بزرگ اسلام پس از عمری مبارک که در راه اعتلای اسلام سپری شده بود، دنیا را وداع کرد و قطب عالم امکان و ولی الله الاعظم ارواحنا فداه در مصیبت خلیفه خود سوگوار شد. راه او راه ما، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست.» [۱۶] .

پاورقی

[۱] بخشی از سخرانی شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر در تاریخ ۲۶ / ۳ / ۵۹. روزنامه رسالت ۲۹ / ۱۱ / ۶۹ ص ۴.

[۲] شهید ابوالقاسم جوادی پاسدار، تاریخ شهادت: ۸ / ۲ / ۶۰، صبح آزادگان ۳۰ / ۵ / ۶۱.

[۳] روزنامه اطلاعات ۲۴ / ۴ / ۶۸. بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب.

[۴] شهید مرتضی مطهری: پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۱۲۰.

[۵] روزنامه جمهوری اسلامی ۲۸ / ۳ / ۷۱: بیانات مقام معظم رهبری.

[۶] شهید مطهری: حماسه حسینی ج ۱، ص ۱۷۵.

[۷] روزنامه جمهوری اسلامی ۲ / ۲ / ۶۸.

[۸] مجله نور دانش شماره ۲ سال ۴۱

شمسی به نقل از کتاب درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت ص ۴۴۷.

[۹] بخشی از وصیت نامه شهید ابراهیم اصغری، روزنامه جمهوری اسلامی ۲ / ۱۰ / ۶۷. [

[۱۰] بخشی از وصیت نامه شهید ناصر آشوری، روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ / ۳ / ۶۳.

[۱۱] بخشی از وصیت نامه شهید محمد اسماعیل زاده، روزنامه جمهوری اسلامی ۳۰ / ۴ / ۶۳.

[۱۲] شهید حسین شعبانی، طلبه ای از نظر آباد کرج. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۶۵.

[۱۳] مقام معظم رهبری به نقل از کتاب جلوه های نور، ص ۲۶.

[۱۴] مقام معظم رهبری به نقل از روزنامه اطلاعات ۱۸ / ۱۰ / ۷۳.

[۱۵] سخنرانی شهید محمد جواد باهنر به نقل از روزنامه رسالت ۲۹ / ۱۱ / ۶۹.

[۱۶] پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت نخستین سالگرد ارتحال امام خمینی (س) به نقل از کتاب جلوه های نور، ص ۲۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹